

# چند نتیجه ایمنی مربوط با اصفهان

در نوشته های ایرانشناسان خارجی اعم از کتب و مقالات اسناد تاریخی فراوانی به صورت پراکنده به چاپ رسیده است . قسمتی از این اسناد از مجموعه های خارجی و بخشی نیز از مجموعه های ایرانی است که معمولاً " به خصوص نوع دولتی آن - دردسترس محققان ایرانی نیست و جای خوشوقتی است که سازمان ها و مؤسسه های افرادی کما این مدارک و اسناد تاریخی از مجموعه های ایرانی در معرض استفاده از آنها را به هیچ وجه و با هیچ توصل و تمہید به محققان ایرانی نمی دهند نسبت به ایرانشناسان خارجی که گاه انعطاف و عنایتی نشان می دهند و این موجب می شود که به فضل کوشش و همت همین خارجیان گاه برخی اهل فضل قرار می گیرد و در صورت آگاهی یافتن نیز دسترسی بر بسیاری از آنها خالی از مشقت نیست .

اشکال کار این است که تحقیقات خارجیان نیز به نوبه خود کمتر مورد اطلاع اهل فضل قرار می گیرد و در صورت آگاهی یافتن نیز دسترسی بر بسیاری از آنها خالی از

در این قبیل نوشته ها ، از جمله به تعدادی از اسناد تاریخی مربوط به اصفهان برخورد می شود که در تحقیقات اصفهان شناسی بسیار مغتنم و سودمند است و اشاره به برخی از آنها که اکنون در مد نظر است بی فایده به نظر نمی رسد :

۱ - اسناد مربوط به بقیه شهنشهان و خاندان شاه علاء الدین محمد نقیب :

سید شاه علاء الدین محمد نقیب فرزند شاه قطب الدین محمد از بزرگان سادات حسینی اصفهان (۱) و ثمره شجره آل طه ویس (۲) در سال های ۸۴۶ - ۸۵۰ در روزگاری که میرزا سلطان محمد بایسنگر بر بنیای خود شاهرخ شوریده و بر قم و اصفهان به استقلال فرمانروایی می نمود در شمار هواداران وی بود و میرزا سلطان محمد او را در امر ملک دخلی عظیم داد (۳) و به پیشوایی عراق ملکا " وملا " و منصبا " برداشت و در مشاورت امور مملکتی از دیگران ممتاز گردانید (۴) ، و به همین جهت پس از لشکر کشیدن شاهرخ

۱ - تذکره دولتشاه سمرقندی : ۳۷۸ چاپ تهران .

۲ - تاریخ جدید یزد : ۲۴۲ .

۳ - احسن التواریخ روملو ۱۱ : ۲۵۷ .

۴ - دیار بکریه ۱ : ۲۸۷ .

به عراق که به گریختن میرزا سلطان محمد مزبور انجامید به ساعیت گوهرشاده مسراخ در نیمهٔ ماه رمضان سال ۸۵۰ بر دروازهٔ شهر ساوه به دارآ ویخته شد (۱) .

بقعهٔ شاهزاده اصفهان مدنی همین سید شاه علاء الدین محمد است که به فرمان میرزا سلطان محمد بنا شده و کتبیهٔ گچ بری بقعه به ثلث سید محمود نقاش (نویسندهٔ کتبیه‌ای در مسجد جمعهٔ اصفهان مورخ ۸۵۱) از همان زمان بر جای مانده است . پیاز آن در اوائل قرن یازدهم نیز از این بنا تعمیری به عمل آمده که کتبیه‌ای از کاشی معرق مورخ ۱۰۱۳ در داخل بقعه حاکی از آن است . وصف این بنا و کتبیه‌های آن در تذكرة القبور گزی (۲) و گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان (۳) و آثار ملی اصفهان (۴) دیده‌می‌شود .

اسناد مربوط به این بقعه در اختیار سید حسین شاهزاده از بازماندگان دودمان بوده که ژان اوین ایران‌شناس معاصر فرانسوی بیشتر آنها را نزد او دیده و در دو مقاله از

نوشته‌های خود در سلسلهٔ Archives Persanes Commenters

آنها را معرفی کرده است . در برخی مصادر ایرانی که نویسنده‌اند نیز از آنها پیش تر پاره‌ای از این اسناد را دیده بوده‌اند نیز از آنها یاد شده است .

چنین است فهرست اجمالی آنها :

(۱) فرمان میرزا سلطان محمد با یستگه مورخ ۱۲۴-۸۵۲ در وقف دو قریهٔ اصفهان کو در زیان از بلوک کراج اصفهان و قریهٔ ولسان فریدن (۵) . این سند را آقای دکتر نوائی نیز دیده و در تعلیقات جلد یازدهم احسن التواریخ روملو از آن سخن داشته (۶) و می‌گوید که مهرقاچی ابویکر طهرانی اصفهانی نگارندهٔ دیار بکریه را برآن دیده است . در تعلیقات کتاب از سعدی تا جامی (۷) و در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان (۸) هم از آن یاد شده جز آن که در "از سعدی تا جامی" تاریخ سند را ۱۲۴-۸۵۲ و در کتاب اخیر ۱۴۲۲ این سال نوشته‌اند که با نقل اوین اختلاف دارد .

۱ - دیار بکریه ۱ : ۲۸۸ / مطلع السعدین سمرقندی ۲ : ۸۶۶ چاپ لاهور احسن

التواریخ ۱۱ : ۲۶۰ .

۲ - چاپ دوم : ۱۸۸ - ۱۹۳ .

۳ - صفحات ۳۳۳ - ۳۴۱ .

۴ - صفحات ۸۰۲ - ۸۰۵ .

۵ - مقالهٔ او در یادنامهٔ ماسینیون ، چاپ دمشق که عنوان کامل آن چنین است :

Note Sur Quelques documents Aq-Qoyunlu (Archives Persianes Commenters I) Melanges Louis Massignon. Damas. 1956. vol 1. 11. pp 122-147 ;

۶ - اصفحهٔ ۷۵۱ .

۷ - صفحهٔ ۳۳۶ چاپ دوم . ۸ - صفحهٔ ۳۳۶ .

(۲) فرمان یعقوب بیک آق قویونلو مورخ ۲۵-۸۸۴ در واگذاردن مزرعهٔ ولاسان فریدن از موقوفات بقعهٔ شاهزاده‌ان به متولی بقعه که در آن تاریخ شاه تقی‌الدین محمد فرزند قوام‌الدین حسین برادر شاه سید علاء‌الدین محمد نقیب بوده است (۱). در این سند از فرمان ابوالقاسم باپر در همین باب و فرمان اوزون حسن مورخ ۱ شعبان-۸۷۹ برای شاه نورالدین برادر شاه تقی‌الدین محمد مزبور، و دختر شاه سید علاء‌الدین محمد نقیب یاد می‌شود (۲).

(۳) طومار مورخ ذق-۸۸۶ در تاءٰ پید وقف بودن اصفهانک و در زیان و ولاسان، با سجل و اشهاد جلال الدین دوانی (محمد بن اسعد بن محمد الصدیقی الدوانی والی شرعیات فارس بالتفویض السلطانی) دانشمند مشهور آن دوره و قاضی عیسی شکرالله ساوجی وزیر یعقوب بیک آق قویونلو و قاضی ابوبکر طهرانی یاد شده پیش (مؤلف دیار بکریه) (۳). این سند را آقای علی اصرع حکمت نیز دیده و در پاورقی صفحات ۶۵۰-۶۵۱ کتاب از سعدی تا جامی وصف کرده است. متن سجلات یاد شده نیز در همان پاورقی نقل شده و عکس قسمتی از پائین سند که مشتمل بر سجل دوانی است در برگ ضمیمه‌ای (میان صفحات ۶۵۲-۶۵۳) به چاپ رسیده است.

(۴) صورت مجلس حکم محکمه شرعی در مورد وقف بودن قریهٔ اصفهانک کراج‌کرسنم بیک آق قویونلو به لله خود عبدالکریم بیک بخشیده و شاه تقی‌الدین محمد متولی وقف به محکمه شرع اصفهان شکایت بوده بود، مورخ ۱۰ شعبان ۹۰۵ (۴). از این سند نام گروهی از بزرگان آن دوره اصفهان که به عنوان شهود به نفع شاه تقی‌الدین محمد در محکمه شرع شهادت‌داده‌اند و قضات حنفی و شافعی اصفهان که آن را توشیح کرده‌اند دانسته می‌شود. اوین نام‌همهٔ این افراد و همچنین ۲۶ تن از بزرگان را که بر سند اشهاد نوشته‌اند نقل نموده است.

(۵) فرمان رستم بیک آق قویونلو مورخ ۹۰۵ در بارهٔ ضبط و سرکاری موضع اصفهانک که به دنبال حکم مزبور صادر شده و در آن گفته می‌شود که پیش از این موضع مذکور با حکم دیگری از همین پادشاه سیورغال لله او عبدالکریم بیک بوده و چون در این سال موقوفه بودن آن به ثبوت رسیده به موجب این فرمان مقرر گردیده است که آن را به

۱ - یادنامهٔ ماسینیون ۱: ۱۳۸، این شاه تقی‌الدین در سال ۹۱۵ کشته شد (روم لو ۱۲: ۸۲ و ۸۵).

۲ - همانجا، نیز ببینید: فرمانهای ترکمانان قراقویونلو، آق قویونلو، ص ۸۱.

۳ - یادنامهٔ ماسینیون ۱: ۱۳۷.

۴ - یادنامهٔ ماسینیون، مقالهٔ اوین.

تصرف شاه تقی الدین محمد نقیب متولی شرعی گذارند (۱) .

این سند پیش از آن در تذکرة القبور گزی (۲) به عکس و حروف چاپ شده بود و سپس در شماره اول سال ششم مجله وحید (۳) و کتاب فرمان های ترکمانان قراقویونل و آق قویونلو (۴) نیز نقل شده است . تعجب است که در هنگام تدوین این کتاب کلمه "amarat mā'ab" را در سطر ششم فرمان - که در عکس سند بسیار روش است و در تذکرة القبور و یادنامه به اشتباہ "ابدرستان" خوانده اند - نتوانسته بودم درست بخوانم و جای آن را نقطه چین کرده ام .

(۶) فرمان شاه اسماعیل صفوی مورخ ۱۴۹۱ ذق - در واگذاردن مقام نقابت نقاب عراق عجم به شاه قوام الدین حسین برادر شاه تقی الدین محمد مزبور و تنفیذ او در مقام قضائی القضاطی اصفهان (۵) . این شاه قوام الدین پس از این نظارت دیوان اعلی یافت (۶) .

(۷) فرمان شاه طهماسب مورخ ۱۵۹۳ رجب در مورد سیور غالات معزالدین محمد فرزند شاه تقی الدین محمد مزبور (۷) که پس از این به صدارت رسید (۸) .

(۸) فرمان همان پادشاه در باره همان سید با اشاره به فرمان مورخ ۲ ج ۱ - ۹۴۰ که تاریخ آن مشخص نیست (۹) .

(۹) فرمان شاه عباس اول مورخ ۲ - ۱۰۰۶ در باره میرزا محمد امین نواده شاه تقی الدین محمد (۱۰) .

(۱۰) استشهادی از اوائل قرن یازدهم مربوط به قراء اصفهانک و در زیان و لاسان موقوفات بقعه شهشهان که تولیت آنها به شاه تقی الدین محمد نقیب مفوض بوده و در آن روزگار امیر تولیت به نواده او میرزا محمد امین حسینی مزبور منتهی شده بوده است . با سجل شیخ بهائی و جلال الدین محمد ترکه و محمد مومن خنجی و خلیفه سلطان ومعزالدین محمد شریف (۱۱)

۱ - همانجا . ۸ - تحفه سامی : ۲۳ چاپ وحید دستگردی .

۲ - میان صفحات ۱۸۹ و ۱۸۸ ، چاپ دوم .

۳ - صفحات ۴۹ - ۵۰ . ۹ - جزویه یاد شده آقای اوین : ۱۵ - ۱۶ .

۴ - صفحات ۱۱۱ - ۱۰۹ . ۱۰ - ایضا" : ۱۷ .

۵ - همان مقاله یادنامه ماسینیون .

۶ - لب التواریخ : ۲۵۷ - ۱۱ - مقاله یادنامه ماسینیون ۱ : ۱۳۷ ( پاورقی ) .

۷ - جزویه تأله لیفی آقای اوین با نام :

Note Preliminaires Sur Les archives du Talya du  
Tchina-rud (Archives Persanes Commentées 2 ) .  
Tehran.1955 , p/14-15.

این سند پیش از آن در کتاب "انساب خاندان های مردم نائین" تاء لیف عبدالحجه  
بلاغی (۱) خوانده شده و عکس آن نیز در همانجا به چاپ رسیده است (۲).  
(۱) سند مورخ ۱۱۹۰ با اشاره به حکم قاضی القضاط فارس مورخ ۸۶۰ که در آن تاریخ  
وارث ذکری از شاه سید علاء الدین محمد نقیب باقی نمانده بود و این می رساند که فرزند  
او قطب الدین محمد پیرامون سال ۸۵۹-۸۶۰ درگذشته است (۳).

\* \* \*

جزاین ها بر سه سند دیگر در این باب آگاهی یافته ایم.

(۱) صورت مجلس محکمه شرعی اصفهان در باب دودیه از توابع اصفهان با نام های  
اندوان و فیروزآباد از بلوک قهاب که اقطاع تمیلیکی شاه تقی الدین محمد نقیب شده است  
با توشیح رسقم بیک آق قویونلو و علماء و قضات و حکام شرع اصفهان، مورخ ۲۰ ج ۹۰۲-۲۰۲.  
این سند را آقای ایرج افشار در نائین یافته و متن آن را به عکس و حروف در مجله برسی های  
تاریخی (۴) نشر نمودند و سپس در مجموعه فرمان های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو (۵)  
نیز به چاپ رسید.

(۲) فرمان حاجی میزان محمد حسین صدر اصفهانی مورخ ج ۱-۱۲۲۷ در واگذاردن امر  
برداشت محصول یک دانگ از قریه اصفهانک واقع در بلوک کراج اصفهان (موقعه بقعه  
شهشان) به میرزا محمد امین (از بازماندگان دودمان مزبور) از آن سال بعد، خطاب  
به میرزا باقر ضابط بلوک کراج (۶).

(۳) فرمان ناصر الدین شاه مورخ ذق-۱۲۶۶ خطاب به غلامحسین خان سپهبدار  
حاکم اصفهان در تعیین چهل تومان نقدو هشت خرووار غله به صیغه مستمری در وجه میرزا  
محمد باقر شهشانی، گویا از همین سلسله (۷).

۱- صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸. فهرست کتابها و مقالاتی که تا آن زمان درباره موقوفه  
اسصفهانک و بقعه شهشان چاپ شده بود در صفحه ۱۸۰ همین اثر هست.

۲- صفحات ۱۸۵ و ۱۸۱.

۳- مقاله یادنامه ماسینیون ۱: ۱۳۷.

۴- شماره ۴ سال هشتم.

۵- صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۸. اصل سند اکنون در "سازمان ملی استاد ایران" است.

۶- نسخه های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱: ۲۴۸.

۷- همان مأخذ: ۲۵۱.

اینک متن اسناد شماره ۷ و ۸ و ۹ که در جزوء تاء لیفی آقای اوین در باب اسناد تکیه، چیمارود نظرن آمده و چون آن جزوء کمتر دور دسترس است نقل متن سه سند مربوط به اصفهان و شاهزادگان آن را بی فایده نمی بیند:

(1)

ابوالمنظف طهماسب بهادر سیوزومیز

حکام و داروغگان و متصدیان امور دیوانی و عمال دارالسلطنه، اصفهان بدانند  
(۱) که چون سیور غالات و مسلمیات دارالسلطنه، مذکور خصوصاً "سیور غالات و مسلمیات  
سیادت و نقابت پناه افاضت و حقایق دستگاه فهame العلمائی نقیب النقائی معزا الشریعه  
و العقیقه و الدین محمدا به موجب فرامین مطاعه، متبعه، همایون از حشوبینیجه، اخراجات  
حکمی موضوع و مستثنی است و اگر حسب الحكم اخراجات حکمی بر ارباب سیور غالات  
واقع می شود خصوصاً" ده یک مستوفیان کرام دیوان اعلی حسب التفصیل حواله میدارند  
و اخراجات خلاف حکم در ممالک مسدود فرموده ایم. بنا بر این اصلاً یک دنیارویک من  
بار به علت اخراجات حکمی و غیر حکمی خصوصاً "علفه و علوفه و قتلغا و الاغ و الام و بیگار  
و طرح و دست انداز و پیشکش صاحب الکا و دوشلک ارکان دولت و عیدی و نوروزی و سلامی  
و رسوم داروغگی و کلانتری و شیلان بها بر سیور غالات مذکوره و مواضع و محالی که داخل  
سیور غال باشد حوالتی ننمایند و پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده داشته داخل  
توجهیات و تغییصات استصوایی ننمایند و بی آن که ممیزی از دیوان اعلی تعیین شود  
به علت حرز و مساحت و بازدید مدخل در سیور غالات و محال متعلقه بدان ننمایند و  
رعایت و مراقبت واجب دانسته، از شکایت که موجب خطاب عظمی است محرز باشد.  
ایالت پناهی حکومت دستگاهی عدهه الامرائي جلال الدین جوهه سلطان تواچی و شهر  
یاری (۲) اکابر ملاذی ضیاء یوسفا و ولکا؛ ایالت پناه مشارالیه حسب المسطور مقرر  
دانسته تخلف ننمایند و از جوانب بر این جمله رفته، همه ساله نشان و پروانجه، مجدد  
مطلوبند. در عهده دانند (۳) و اگر بدین علت چیزی گرفته باشد باز گردانند.

۱- اوین : باید . ۲- کذا . ۳- اوین : دارند.

تحریرا" فی عاشر شهر رجب الموجب سنہ احدی و ثلثین و تسعمائے .  
یا محمد یا علی

فرمان همایون شرف نفاذ یافت آن که به موجبی که در تاریخ دوم جمادی الاولی سنہ ۹۴۰ حکم همایون ماصادر شده مؤکد به لعنت نامه موشح به خط اشرف مبلغ ۰۰ از جمله مالی دارالسلطنه اصفهان از محلی چند که در ضمن آن فرمان قضا جریان تفصیل یافته بر عالی رتبت قدسی منزلت مستخدم الاعالی بالارت والاستحقاق سلطان النقاب و العلماء علی الاطلاق معز الاسلام والمسلمین محمد مسلم دانسته، از حشو بنیچه مملکت موضوع و مستثنی شناسند به همان دستور مقرر دانسته، محال مذبوره را از حشو بنیچه مملکت وضع نمایند و مطلقاً به هیچ وجه من الوجه براآن محال حوالتی ننمایند و ساوری و کندلک و ساوری نزول حال و ده یک و نیم سیورغال و ده یک رعیتی و شیلان بهاء و چریک و مردشکار و بیگار و رسم المهر و رسم الوزاره و رسم الحساب و حق السعی عمال و رسوم داروغه و کلانتری و میرابی و عیدی و نوروزی و سلامانه و خرم من بهره و غیر ذلک آنچه معهود شده و آنچه به غیر از این سانح شود طلب ندارند و از آن تاریخ الی الغایه اگر چیزی به سبب امور مذکوره گرفته باشد باز گردانند و به علت آن که تفصیل ساوری و کندلک و غیره که در ضمن نشان مرقوم نگشته موقوف ندارند (؟) و محال مذکوره را به حرز و مساحت در نیاورند و به علت عوامل و هیمه و کاه و مرغ و درازگوش و طرح و غله ابتداعی و غیره تعرض نرسانند و در آب اندازان متعرض بندهای آن محال نشوند و کلا و مزارع ان مشارالیه را غیر حصه ارباب و رعیتی جزو مرفوع القلم و مترخان شناسند و اگر حکمی صادر شود که کائننا من کان در اخراجات است تصوابی دست کلی دارند آن محال را از حصه ارباب و رعیتی مستثنی دارند و تبعیض عامی که حاصل نمایند مستند نگردد که مالا و خارجا" دانسته و در بسته شفقت فرمودیم و از هرچه اطلاق اسم طلب برآن توان نمود معاف نمودایم و اگر دانسته یا نادانسته احدی به خلاف مسطور عمل نماید به عهده داروغه و کلانتر و عمال آنجا که اگر چیزی گرفته باشد ستانیده باز گردانند و آن کس را به سزا و جزاء خود رسانند که موجب عبرت دیگران باشد و اگر احیاناً حکمی صادر شود که اطلاق بر ارباب سیور غالات کنند مثل چریک و رسم المهر و ده یک و نیم و مفصل در دیوا ن اعلی مرقوم گردد مستوفیان کرام جمیع سیور غالات اسلام مlad مومنی الیمرا داخل مفصل ننمایند و جمیع مسامین آن حکم جهان مطاع را من المبداء الی المقطع مضی و منفذ شناسند و ساعی در تغییر و تحصیل نقیض آن را از مترودان و مردو دان این دودمان ولایت نشان شرمند و هر ساله در این باب پروانجه مجدد نطلبند

و تخلف نورزنده و شکر و شکایت ایشان را عظیم موئثر (۱) شناسند .  
تحریر ا" فی ...

(۳)

## الملک لله

فرمان همایون شد آن که چون محال متعلقه به سر کار سیادت و نقابت  
پناه هدایت و نجابت دستگاه حقایق و معارف انتباه متبوع اعظم السادات والنقبه  
الکرام مرتضی ممالک اسلام مقتدى طوايف انانم شمسا میرزا محمد امینا حسب الحكم  
جهان مطاع به سیورغال او مقرر و از حشو بنیجه اخراجات واستصوابات مملکت حکمی  
و غیر حکمی موضوع و مستثنی است بنا بر این مقرر فرمودیم که عمال دارالسلطنه اصفهان  
من بعد به هیچ وجه من الوجهه به علت اخراجات و عوارض از الاغ و بیکار و طرح و  
مرد تفتگ چی و کاه و هیمه و مرغ و عوامل و غیر ذلک به هر اسم و رسم که بوده باشد  
حوالتی و اطلاقی به سر کار مومی الیه و رعایا محال متعلقه به او ننموده، موضوع و  
مستثنی دارند و اگر به طریق شاهی سیون به علت مذکورات از مملکت چیزی طلب نمایند  
و کلاء سیادت و نقابت پناه مومی الیه را مطلع سازند که بدانچه میسر و مقدور باشد خود  
از محال خود سامان دهند و بدون علت اطلاق و حوالتی به رعایا محال متعلقه به  
سیادت و نقابت پناه مومی الیه ننمایند و مزاحمت نرسانند . در این باب قدرن دارند به  
عهدہ داروغه و وزیر دارالسلطنه مذکور که در این باب نهایت امداد مقدم دارند و در  
عهدہ دانسته، از فرموده تخلف نورزند .

شهر جمادی الثاني سنّه ست و الف .

## پرده نقاشی

شخصی که پرده‌های تصویری فروشد در بازار حراج خانه لندن تصویری قدیم به پول  
جزئی خریده بود بعد از آنکه پاک کرده بود دیده بود که از کار استادهای قدیم است که  
در این ایام این طور نقاشها پیدا نمی‌شوند و نام نقاش پرده مزبور میشل انجلو (میکل آنژ)  
است . چون کارهای این نقاش و استادهای دیگر آن ایام در رم بسیار است و نقاشهای  
آنجا از کارهای قدیم سر رشته خوب دارند تصویر مزبور را به شهر رم برد و به اجلاس  
نقاشهای آنجا نموده همه تصدیق کرده‌اند که کار میشل انجلو و صدوشصت و پنج هزار فرانک  
که شانزده هزار و پانصد تومان پول ایران باشد قیمت کرده‌اند . " نقل از روزنامه وقایع  
اتفاقیه - شماره ۱۲ - جمعه ۲۲ جمادی الثاني ۱۲۶۷ "